



کشتار مردم بی دفاع

ا. م. شیرینی

بیش از هشت سال است که کشتار بی امان مردم بی دفاع و بی پناه افغانستان بدست نظامیان آمریکائی و ناتو ادامه دارد. در جریان جنایات سازمانیافته دو هفته اخیر نیروهای اشغالگر در ولایت هلمند، مردم ستمدیده و بی گناه افغانستان اشغالی، بویژه، زنان و کودکان، گروه- گروه کشته می شوند. بگزارش همه خبرگزاریها، در بمباران های خانه های مردم در چهاردهم فوریه، ۱۲ نفر و در اثر بمباران کاروان اتومبیلها توسط جنگنده های آمریکا در روز یکشنبه گذشته، ۳۳ نفر دیگر کشته شدند. البته، نباید چنین تداعی شود که، تمام تراژدی مردم افغانستان فقط به همین موارد ختم می شود. بلکه، فجایع تحمیلی روزهای اخیر، تنها بخش بسیار کمی از جنایات هولناک چندین ساله اشغالگران است که، از صافی خبرگزاریهای امپریالیستی عبور کرده است... به هر حال، در پی این کشتارها، ژنرال استنلی مک کریستال، فرمانده نیروهای اشغالگر آمریکا و ناتو در افغانستان، طبق روال معمول در محافل «بشر دوستان» امپریالیست عذرخواهی کرد و رابر گیتس، وزیر مهاجرات ایالات متحده آمریکا، کشتار مردم بی پناه و بی دفاع را امر عادی و ناشی از «طبیعت جنگ» نامید.

بلی، یکی امری عادی در جنگ خواند و خم به ابرو نیاورد و دیگری، اشک تمساح ریخت و عذرخواهی کرد. اما، نه فرمانده نیروهای قاتل، نه وزیر جنگ استعمارگران و نه اربابان آنها، از آن میزان فهم و شعور معمول انسانی برخوردار نیستند که درک کنند، اولاً- چنین عذرخواهی بی معنی و مسخره، هیچ دردی از دردهای بیشمار مردم رنجدیده افغانستان ویران شده در زیر بمبارانهای آمریکا و ناتو را دوا نخواهد کرد و این همه انسانهای مظلوم را که زندگی شان قربانی مطامع غارتگران بین المللی امپریالیسم گردیده است، به حیات باز نخواهد گرداند و ثانیاً- هیچکدام از این صادر کنندگان «دمکراسی» امپریالیستی نمی فهمند که، طبق تعاریف پذیرفته شده بین المللی، ایجاد رعب و وحشت در جامعه، کشتار مردم غیرنظامی، بمباران مناطق مسکونی در جنگ (حتی در جنگهای عادلانه)، تروریسم دولتی تعریف می شود و بطور کلی، طبق تعاریف معاصر، استعمارگری و اشغال کشورهای بیگانه به هر مستمسک و بهانه ای، جز تروریسم دولتی مفهوم دیگری ندارد. این، پدیده جدیدی نیست که نظام ضد انسانی امپریالیستی، بدون توجه به همه مصایب و کشتارها، به فقر و گرسنگی دهشتناکی که به همه بشریت جهان تحمیل کرده است، بدون توجه به تأثیرات مخرب اشغالگریها و بمبارانها بر سلامتی روانی و جسمانی نسلهای امروز و آینده بشریت، همچنان بر طیل زشت آهنگ جنگ می کوبد و برای تأمین منافع غارتگرانه مشتی گردن کلفت بین المللی، سیاستهای رسمی خود را بر مبنای تروریسم دولتی استوار کرده است.

اشغال و مستعمره سازی طولانی مدت افغانستان و دیگر کشورها نشان داد که راه حل مشکلات جهانی، از جمله پایان دادن به کشتار مردم بی پناه افغانستان (و حتی دیگر مستعمرات، چه ممالکی که به شیوه استعمار کهن اداره می شوند و چه کشورهایی که با شیوه استعمار نوین اداره می شوند)، نه راه حل نظامی دارد و نه اصولاً در شرایط سلطه نظم جنگلی امپریالیستی بر جهان، قابل حل است. در چنین شرایطی، دلیل و آیه تراشیدن آنها برای توجیه و تفسیر جنایات سازمانیافته اشغالگران، یک بحث و سرگرمی خطرناک برای کل بشریت حساب می شود. امروز و همیشه، باید یک بار و برای همیشه قبول کرد، بدون تغییر صورت مسئله، بدون مهار زدن به خیره سربها و گستاخیهای امپریالیسم جهانی بمثابة بزرگترین و خطرناکترین دشمن انسان و انسانیت، نه آرزوی برقراری صلح و امنیت پایدار در جهان و پایان دادن به اشغال کشورها و قتل عام انسانها، از حد خواب و خیال خارج خواهد شد و نه «طبیعت جنگ» نامیدن و عذرخواهی بی معنی و مسخره آدمکشان بین المللی، درمانی برای دردها و رنجهای بشریت، بویژه مردم افغانستان خواهد .